

گر غم زلف تو راه صبر گردد باز
 کند از هر گره آن مرغی دو صد دل پرواز
 آسمان تو بود ز آه دل بر شرم
 اگر کنم قصه عشق تو پر پرواز آغاز
 اندک چشم لغو افتد گذر از سر کوه
 عینم با که توان کرد غم دل ابراز
 گریه بنده لب خندان ترا بیل است
 دراز تو رخ غنیمت خوانده آواز
 همه زرد و مگر بنزد دهند افشانه
 بر نفسا کنی چون لب برین را باز
 دلینه تو ز با آبر از خون گل
 در میان تو ز با آبر از خون گل
 عاشق دلنده را ساد کن از نظر لطف
 که نزد دلبر بگویی بود بنده آواز

قصه از زاده
 —————